



نشریه قرآنی نور / فروردین ماه هزار و سیصد و نود و هشت / پیش شماره اول



نشریه قرآنی نور



صاحب امتیاز: کانون نماز و نیایش

مدیر مسئول: سعید خراسانی

سر دبیر: ابراهیم محمدی

ہیئت تحریریہ: میلا دہراتی، امیر مجاوری، پیمان مہری، محمد خراسانی

طراح و صفحہ آرا: امیر مجاوری

ویراستار: میلا دہراتی



قرآن از دیدگاه غرب/۶



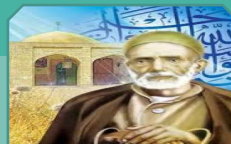
سخن سردبیر/۵



سخن امام و رهبری/۴



معلم از دیدگاه قرآن/۱۰



معجزه قرآنی قرن/۸



وظایف ما در برابر قرآن/۷



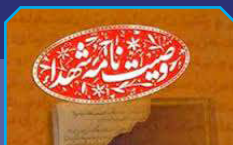
روانشناسی در قرآن/۱۵



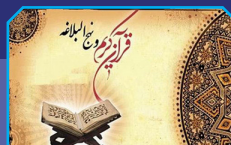
سلامتی در قرآن/۱۴



آشنایی با سوره حمد/۱۲



وصیت نامه شهدا/۱۹



جایگاه قرآن در نهج البلاغه/۱۸

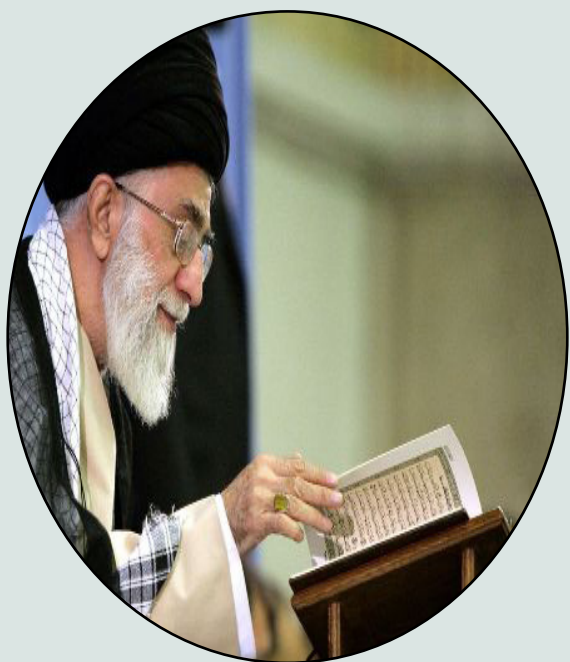


توبه از دیدگاه قرآن/۱۶

سخن امام ورهسری

«در حدیث است که کسی که قرآن را در جوانی بخواند، قرآن با گوشت و خونش مختلط شود و نکته آن، آن است که در جوانی اشتغال قلب و کدورت آن، کمتر است. از این جهت، قلب از آن بیشتر و زودتر متأثر می شود و اثر آن نیز بیشتر باقی می ماند».

آداب الصلوه، ص ۱۹.



اگر فرزندان و نخبگان دانشگاهی و تحصیل کرده ها، هر روز مقید باشند يك صفحه قرآن را، من گاهی می گویم نیم صفحه قرآن را، با توجه به ترجمه بخوانند و در آن تدبر بکنند، این خودش غوغایی به راه می اندازد. اگر بخواهیم این را درست کنیم، فرهنگ سازی می خواهد و احتیاج به تدبیر دارد.

(۸۶/۹/۱۷)



سخن مدیر مسئول

بسم الله الرحمن الرحيم
حمد و ثنای پروردگار، که به ما توفیق عنایت کرده؛ که همراه و همگام با شما باشیم.
خدای منان را شکر می کنیم که به ما لطف عنایت کرده بتوانیم با نشریه قرآنی نور، مطالبی
قرآنی در خدمت تمام شما دوستان عزیز قرار بدهیم.

امید است که بتوانیم با قرآن ائمه بگیریم، کمک بگیریم، قرآن را به عنوان الگوی خود
در زندگیمان قرار دهیم.
در این روزگاری که ظلمات و تاریکی شهر را فرا گرفته، بتوانیم با نور قرآن راه درست را
انتخاب کنیم.

امید است که بتوانیم به قرآن عمل کنیم و روزانه مقداری تلاوت کنیم و استفاده از
قرآن منحصر به بدرقه مسافر، گرفتن استخاره و زینت طلاقیچه ها نباشد.

سعید خراسانی

دانشجوی دانشگاه فرهنگیان

نظر اندیشندان غرب در مورد قرآن



ج: دیدگاه‌های جامعه‌شناختی:

((دکتر گوستاولوبون))

«قرآن که کتاب آسمانی مسلمانان است، به تعالیم و دستورات مذهبی منحصر نمی‌شود، بلکه مشتمل است بر دستورات سیاسی و اجتماعی، خیرات، نیکی، مهمان‌نوازی، اعتدال در خواست‌های نفسانی، وفای به عهد، اکرام به والدین، کمک کردن به بیوه و یتیم و سرپرستی آنان، نیکی کردن در مقابل بدی و... که در موارد متعددی به آن‌ها تأکید شده، و در آن تمام این صفات و خصلت‌های پسندیده تعلیم داده شده است» (همان، ۵۰).

د: دیدگاه‌های حقوقی و قانون‌گذاری:

((ادوارد گیسبون))

«قرآن دستور عمومی و قانون اساسی مسلمین است؛ دستوری است شامل مجموعه قوانین دینی، اجتماعی، مدنی، تجاری، نظامی، قضایی، جنایی و جزایی» (اعترافات دانشمندان بزرگ جهان، ۶۰؛ وات، مونتگمری، همان، ۱۰۰).

الف) دیدگاه‌های علمی برگرفته شده از علوم طبیعی:

((دکتر جرنیه فرانسوی))

«من تمام آیه‌های قرآن را که در زمینه علوم طبیعی، بهداشت و طب بودند، مطالعه کردم و آن‌ها را مطابق دقیق‌ترین قانون‌های علوم طبیعی و پیچیده‌ترین اصول ثابت شده علوم عقلی دیدم و یقین کردم که هزار سال قبل جز خدا، هیچ کسی بر روی زمین، از آن قوانین و اصول آگاه نبود، پس به حقانیت و خدایی بودن چنین کتابی ایمان آوردم (راتلج، ادیان جدید در دیدگاه‌های جهانی، ۱۹۳).

ب) دیدگاه‌های ادبی:

((ولتر))

«اگر تمام قرآن را از اول تا آخر بخوانید، یک واژه کودکانه در آن نخواهید یافت. قرآن در حقیقت مجموعه‌ای است از پندهای اخلاقی، دستورهای دینی، راز و نیاز به درگاه خداوند، هشدار و تشویق جهانیان و شرح سرگذشت فرستادگان خدا» (ونزبرو، جان، همان، ۲۰۲).

«قرآن کتاب جبر یا هندسه یا حساب نیست، بلکه مجموعه‌ای از قوانین است که بشر را به راه راست، راهی که بزرگ‌ترین فلاسفه دنیا از تعیین و تعریف آن عاجزند، هدایت می‌کند»

((آلبرت اینشتین))

وظایف مادر برابر قرآن

فرآوری: میلاد براتی



((۵ - عمل به قرآن))
اصلاً به رجسته و هدف غایی نزول قرآن و

تعلیم و قرائت و همچنین تدبیر در آن همه و همه برای عمل است چنانکه خداوند می‌فرماید:

((هذا الكتاب انزلناه مبارکاً نازل نمودیم پس، از آن این کتاب را مبارک نازل نمودیم پس، از آن تبعیت نمایند...)) و لذا کسانی که به قرآن عمل نمی‌کنند و تنها به قرائت آن اکتفاء می‌کنند، در واقع به شأن و مقام والایش بی‌احترامی کرده‌اند.

((۶-کشف حقیقت قرآن))
لزوم سخن گفتن امر حقیقت قرآن به هدف آرمانی نزول آن برمی‌گردد چرا که قرائت و تلاوت قرآن بدون درک معنی و مفهوم و حقیقت آن بی‌فایده است و عملاً زمینه‌ساز برای عمل به آن فراهم نمی‌سازد.

((۷ - حفظ کردن آیات قرآن))
حفظ کردن قرآن در دو مفهوم به کار می‌رود: یکی محافظت امر حرام قرآن و دیگری حفظ آیات آن. مراد ما نیز در این مطلب نوع دوم آن است. قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): لا یعذب الله قلباً وعی القرآن. خداوند قلبی را که قرآن را در خود جای داده عذاب نمی‌کند.

نیکوی قرائت و نیز تلاوت قرآن در همه حال، البته محدود کردن قرائت قرآن به مجالس ختم و استخاره و یا ترک تلاوت به جهت سبک شمردن آن عملی است که مورد غضب خداوند واقع می‌شود.

((۳-استماع قرآن))

قال الله تعالی، «و اذا قرى القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلکم ترحمون» هرگاه که قرآن خوانده می‌شود به آن از دل و جان گوش فرا دهید و سکوتی همراه با تدبیر پیشه کنید باشد که مورد رحمت قرآن قرار بگیرید.

استماع قرآن در کنار قرائت آن ارزش والائی دارد. و این برای کسانی که از نعمت علم به آن برخوردارند لازم است. البته دیگران نیز می‌توانند با گوش دادن به تلاوت قرآن در ثواب تلاوت آن شریک شوند.

((۴ - تدبیر در قرآن))

از دیگر وظایف مادر برابر قرآن تدبیر در معنای آن است و خداوند نیز فلسفه نزول قرآن را بر همین محور بیان فرموده است «کتاب انزلناه الیمر مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکروا اولوالالباب.»

قرآن کتاب مبارکی است که ما آن را نازل کردیم تا همه در آیاتش اندیشه کنند و دانایان از آن پند گیرند.

قرآن کلام خداست و بارقه‌های امیدبخش آن در رگ عالم جاری است، سخن از فیروزه کلامی است که برخاسته از حنجره ملکوت سموات و خود نشانه ای از حقایق و کمالات است. کلامی جوشیده از چشمه سار آفرینش و متصل به دریای حقیقت که ما در این شوره زار دنیا به تکاپوی آن به سر می‌بریم.

وظایف مادر برابر قرآن چیست؟

((۱ - فراگیری قرآن))

قال علی (علیه السلام) ((تعلموا القرآن فانه احسن الحديث و تفقهوا فيه فانه ربيع القلوب))
قرآن را فرا بگیرید که برترین کلام است. و در آن بیندیشید که بهار قلب‌هاست. بعد از شناخت جایگاه و درک فضائل قرآن لازم است که به فراگیری صحیح علوم آن پردازیم.

قرآن محور اساسی دین و کتاب قانون الهی است و بر هر مسلمانی لازم است که در راه فراگیری آن بکوشد.

((۲- تلاوت قرآن))

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): افضل العباد قراء القرآن؛ برترین عبادات قرائت صحیح قرآن است. بعد از فراگیری قرآن نوبت به قرائت آن می‌رسد زیرا فراگیری مقدمه‌ای است برای عمل

معجزه قرآنی قرن

داستانی از زندگی کربلایی کاظم ساروقی



قبل از آنکه وارد ده بشوم، به باغ امام زاده مشهور به ۷۲ تن رسیدم.

من روی سکوی در امامزاده برای رفع خستگی نشستم و گندمرها و علوفه‌ها را کناری گذاشتم و به طرف صحرا نگاه می‌کردم.

دیدم دو نفر جوان که یکی اثر آنها بسیار با هیبت و خوش قد و قامت بود، با شکوه و عظمت عجیبی به طرف من می‌آیند. لباس‌های آنها عربی بود و عمامه سبزی به سر داشتند. وقتی به من رسیدند، سلام کردم، پاسخ مرا با محبت دادند. همان آقای با شخصیت مرابا اسم صدا کردند و گفتند:

((کربلایی کاظم! بیا با هم برویم فاتحه‌ای در این امامزاده برای آنها بخوانیم))

من گفتم: آقا، من قبلاً به زیارت رفته‌ام و حالا باید برای بردن علوفه به منزل بروم. فرمودند: بسیار خوب این علوفه‌ها را کنار بگذار و با ما بیا فاتحه‌ای بخوان. من هم اطاعت کردم.

من فکر کردم که آنان مرا امامزاده مرا

کشاورزی بپردازم و مستقل زندگی کنم. او پذیرفت و یک قطعه زمین بزرگ با هشت بار گندم را به من واگذار کرد. من، نیمی از گندم را به فقرا دادم و نیم دیگرش را کشت کردم و خدای متعال، برکتی داد که در آنجا بی‌نظیر بود. محصول را برداشتم و به شکرانه لطف خدای متعال با بینوایان نصف کردم و بسیار به فقرا و مستمندان کمک می‌کردم، و دوست داشتم همیشه یار و مددکار مردمان ضعیف و مستضعف باشم. از این روی ما همواره بیشتر از زکات معمولی در راه خدا انفاق می‌نمودیم و خداوند هم برکت زیادی به آن می‌داد. تا آنکه یک روز تابستان که برای خرمنکوبی به مزرعه رفته، و گندمرها را جمع کرده بودم، هرچه منتظر شدم بادی نیامد و آسمان کاملاً راکد بود. بالاخره مجبور شدم به طرف ده برگردم.

در بین راه یکی اثر فقرای ده، به من رسید و گفت: امسال چیزی اثر محصولت را به ما ندادی؟ آیا ما را فراموش کرده‌ای؟ گفتم: خیر، خدا نکند که من فقرا را فراموش کنم، ولی هنوز نتوانسته‌ام محصول را جمع کنم و این مرا بدان که حق تو محفوظ است. او خوشحال شد و به طرف ده رفت، ولی من دلم آرام نگرفت. به مزرعه برگشتم، و مقداری گندم با نرحمت زیاد جمع کردم و برای آن مرد فقیر برداشتم، و قدری هم علوفه برای گوسفندانم درو کردم و چند ساعت بعد از ظهر، یعنی حدود عصری بود که گندم‌ها و علوفه‌ها را برداشته، به طرف ده به راه افتادم.

ماه رمضان بود که اثر سوی آیت‌الله حائری یک مبلغ مذهبی به روستای ما آمد و ضمن سخنرانی‌های خویش، درباره نماز، روزه، خمس، زکات و ... بحث کرد و گفت: «هر مسلمانی حساب سال نداشته باشد و حقوق مالی خویش را ندهد نماز و روزه‌اش صحیح نیست.

من به خانه رفتم و به پدرم (کربلایی عبدالواحد) گفتم: «شما چرا نرکات اموالت را نمی‌دهی؟» گفت: «پسر جان! این حرف‌ها را از کجا می‌گویی؟» گفتم: «این روحانی که اثر قم آمده می‌گوید: اگر کسی حقوق مالی خویش، هم چون زکات را ندهد مالش حرام است.»

پدرم گفت: «او برای خودش می‌گوید». من گفتم: «با این وضع، من دیگر در خانه شما نمی‌مانم» و به حالت قهر به قم رفتم. پس از مدتی، پدرم کسی را فرستاد و مرا به روستا بازگردانید، و باز هم بحث ما ادامه یافت. من اصرار داشتم او زکات مال خویش را بدهد، او هم می‌گفت: «این فضولی‌ها به تو نمی‌رسد». تا آنکه بار دیگر من خانه پدری را بر سر این موضوع ترک کردم و به تهران رفتم، و آنجا مشغول کار شدم و پدرم باز کسانی را فرستاد و مرا به روستا بردند.

درگیری ما ادامه یافت و با خیرخواهی سالخورده‌گان روستا، پدرم حاضر شد مقداری زمین و بذر آن را به من واگذار کند تا من به طور مستقل به کار

بلد نیستند، اما هنگامی که حرکت کردیم دیدم آنان جلوتر می‌روند. ابتدا امامزاده شاهزاده حسین را زیارت کردیم.

آنان سوره حمد و قل‌هوالله را خواندند، و من چون سواد نداشتم به همراه آنان می‌خواندم و صندوق را نیز می‌بوسیدم، و دور می‌زدم، ولی آنان چنین نمی‌کردند و تنها می‌خواندند. سپس اتر آنجا بیرون آمدم تا به امامزاده دیگری که هفتاد و دو تن می‌گفتند رفته‌ام. در آنجا دو امامزاده به نام‌های امام‌خراده جعفر و امامزاده صالح دفن‌اند و یک قسمت هم به نام چهل دختران معروف است. باز هم من دور می‌زدم و قبر را می‌بوسیدم اما آنان باز هم فاتحه می‌خواندند.

همان آقای با هیبت رو به من کردند و فرمودند: «کربلایی کاظم! پس چرا چیزی نمی‌خوانی؟» گفتم: آقا من سواد ندارم.

گفتند: «نگاه کن به آن کتیه، می‌توانی بخوانی». نگاه کردم، کتبه‌ای دیدم که نه پیش از آن دیده بودم و نه بعد اتر آن دیدم. نگاه کردم، دیدم به خط سفید و پر نوری این آیه شریفه نوشته شده بود:

((إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَغْشَى اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مَسْجُورَاتٌ بِأَمْرِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ... إِنَّ مَرْحَمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ))

آیه را خواندم، آنگاه جلوتر آمدم، و دست خویش را از پیشانی تا سینه‌ام کشیدند، و سوره حمد را خواندند و به چهره من فوت کردند و همه قرآن را در سینه من نهادند.

من صورتم را برگرداندم که به آنها چیزی بگویم. ناگهان دیدم کسی آنجا نیست، و از آن آقایی که تا همین لحظه دستشان روی سینه من بود خبری نیست، و دیگر از آن نوشته‌ها هم که روی سقف بود چیزی وجود ندارد. در این موقع دچار ترس و رعب عجیبی شدم، و دیگر نفهمیدم چه شد، یعنی بی‌هوش روی زمین افتاده بودم.

آیت الله جعفر سبحانی که از علمای بزرگ و دانشمندان ممتاز قم است در مورد کربلایی کاظم می‌گوید: «عصر روزی وارد مدرسه فیضیه شدم دیدم حافظ قرآن، کنار باغچه مدرسه نشسته است و گروهی بر گرد او حلقه زده و از او قرآن می‌پرسند و او پاسخ می‌دهد.

من هم جلوتر رفتم و دو مورد از دو سوره «صافات» و «ص» از ایشان پرسیدم که با سرعت و دقت، از حفظ پاسخ مناسب را داد، قرآن کوچکی از جیب در آوردم و از او خواستم تا آیه‌ای را که من می‌خوانم پیدا کند و او بی‌درنگ قرآن را گرفت و با یک قبضه گشود و گفت: بفرما! این آیه مورد نظر شما! وقتی نگاه کردم با شگفتی بسیار دیدم در همان صفحه است.»

هنگامی به خود آمدم که دیدم شب فرا رسیده است. برخاستم، جریان را فراموش کرده بودم و در بدنم احساس خستگی عجیبی می‌نمودم. خودم را سرزنش می‌کردم که مگر تو کار و زندگی نداری، آخر اینجا چه کار می‌کنی؟ بالاخره از امامزاده بیرون آمدم و بار علوفه را به دوش گرفتم و به سوی ده حرکت کردم. در بین راه متوجه شدم کلمات عربی زیادی بلد هستم.

ناگهان به یاد تشریفی که هر روز قبل خدمت آن آقا پیدا کرده بودم افتادم. باز ترس و رعب مرا برداشت.

ولی زود خودم را به منزل رساندم. اهل خانه خیلی مرا سرزنش کردند که تا این موقع شب کجا بودی؟ من چیزی نگفتم و علوفه را به گوسفندان دادم و صبح زود آن گندم‌ها را به در خانه آن مرد مستمند بردم و به او دادم و بدون معطلی به نزد پیشمنان محل، آقای حاج شیخ صابر عراقی رفتم، و داستان خودم را از اول تا به آخر گفتم.

آقای عراقی به من گفت آنچه را می‌دانی بخوان. من آنها را خواندم. او ساعت‌ها مرا امتحان کرد. نخست سوره رحمان را پرسید، بعد سوره یس، مریم و سوره‌های دیگر قرآن را. من اتر هر کجا پرسید، اتر حفظ و بدون کوچک‌ترین لغزش همه را تلاوت کردم. سپس قرآن را بوسیدم. و آقای عراقی به مردمی که آنجا بودند، گفت: مردم کاظم درست می‌گویند، او مورد لطف قرار گرفته است.

مردم بر سر من ریختند و لباس‌هایم را به عنوان تبرک بردند، آقای صابر عراقی به زحمت مردم مرا از خانه بیرون کرد و به من گفت: کاظم اگر جان خودت را دوست داری شبانه اتر این محل برو. در غیر این صورت به عنوان تبرک به دست مردم آسیب خواهی دید. گفتم: خرمن و گوسفندانم را چه کنم؟ گفت، من دستور می‌دهم آنها را حفظ و جمع‌آوری کنند و پولی هم به من داد و شبانه به ملایر آمدم. آنجا نیز مردم قصه مرا برای حجت الاسلام سید اسماعیل علوی بروجدی که از علمای ملایر بود گفتند و ایشان تشریف آوردند و با من ملاقات کردند و با اصرار مرا بردند، جلسه‌ای تشکیل دادند و قصه مرا برای شخصیت‌های ملایر نقل کردند. آنها مرا بسیار آزمایش و امتحان نمودند و همه تعجب می‌کردند.

معلم از دیدگاه قرآن

فراوری: سعید خراسانی

عنوان مقدس معلمی برگرفته از اوصاف خداوند متعال است قرآن کریم می فرماید: «علم الانسان ما لم يعلم (علق-۵) خداوند متعال به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد. همچنین آیات قرآن کریم مهمترین ویژگی انبیاء الهی را تعلیم مردم بیان کرده و آن گرامیان را به عنوان معلمان بشر می شناساند.

در عظمت منزلت و مقام معلم همین کافی است که بزرگ ترین معلم جهان بشریت حضرت رسول خاتم (ص) به این ویژگی خود افتخار می کرد.

آن بزرگوار زمانی که با دو گروه در مسجد مواجه شد که گروه اول عبادت می کردند و گروه دوم به آموزش علم مشغول بودند، گروه دوم را که در محضر استادی علم می آموختند، افضل دانست و فرمود: «اما بعثت معلما؛ همانا که من به عنوان معلم انسان ها مبعوث شده ام. (سنن دارمی، ج ۱، ص ۹۹)

آن حضرت چنان برای معلمان و مقام ارجمند آنان ارزش قائل بود که در دعاهایش می فرمود: «اللهم اغفر للمعلمین و اطل اعمارهم و بارک لهم فی کسبهم؛ (کشف الخطا، ج ۱، ص ۴۸) خداوند! معلمان را ببارمزد و عمر طولانی به آنان عطا فرما و کسب و کارشان را مبارک گردان.

آری، معلمی اثر خصوصیات انبیا و اثر صفات محبوب آنان می باشد. در مقام پاسداشت اثر تلاش های معلمان سخنی بالاتر و خریباتر اثر کلام مولای متقیان، حضرت علی (ع) نمی توان یافت که فرمود: «من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا» (جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۱۲) کسی که به من یک حرف بیاموزد، مرا بنده خود کرده است.

البته این شرافت و فضیلت برای معلم، زمانی ارزشمند است که بتواند این موهبت الهی را در وجود خود محقق سازد و با قمار وجود در جهت کمال جامعه به تعلیم و تربیت بپردازد. با توجه به اهمیت مقام و منزلت معلم در قرآن، در این فرصت به بررسی برخی از اوصاف معلمان از منظر کلام وحی می پردازیم.

((۱- خلوص نیت))

از دیدگاه کلام وحی، جاودانگی هر عملی نیافر به خلوص نیت دارد و بدون این ویژگی اعمال افراد ارزش واقعی نخواهد داشت: «فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشکر بعباده ربه احداً (کهف - ۱۱۰)

بنابراین اولین گام توفیق در عرصه تعلیم، خالص بودن نیت است و یک معلم شایسته در آموزش متعلمین خود فقط و فقط به خاطر خدا انجام وظیفه می کند.

امام صادق (ع) فرمود: «المعلم لا یعلم بالاجر و یقبل الهدیه اذا اهدی الیه؛ (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۵۶) معلم به خاطر مزد درس نمی دهد، بلکه برای خدا و با خلوص نیت آموزش می دهد و هرگاه هدیه ای به او دادند، آن را می پذیرد.

((۲- صلاحیت علمی))

بدون علم و آگاهی هرگز کاری سامان نمی یابد و دانستن راه و روش تعلیم از اساسی ترین شرط های شغل معلمی است.

حرفه معلمی هم چنانکه اثر اسمش پیداست انتقال علم و دانشی است که در وجودش نهفته است.

هر کس که بدون کسب صلاحیت لازم بخواهد به امر تعلیم و تعلم بپردازد، علاوه بر اینکه موجبات خواری و ذلت خود را فراهم خواهد آورد لطامات جبران ناپذیری نیز به جامعه وارد خواهد کرد.

((۳- فروتنی و گذشت))

از ویژگی های معلمان موفق، تواضع و گذشت آنان در مقابل خطاهای شاگردان می باشد. عفو و گذشت یک معلم از خطاهای متعلمین می تواند هم شخصیت معلم را در برابر دانش آموزان محبوب و دوست داشتنی جلوه دهد و هم درس عملی خوبی برای آنان باشد.

خداوند متعال در مورد خصلت زیبای تواضع به سخن دیگر اثر مریبان شایسته جهان بشریت، حضرت لقمان اشاره کرده می فرماید: «و لاتصغر خدک للناس ولا تمش فی الارض مرحاً ان الله لایحب کل مختال فخور (لقمان ۸)؛ با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.

امام علی(ع) می فرمایند: «من تواضع للمتعلمین و ذل للعلماء ساد بعلمه (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۶) هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و در برابر دانشمندان خود را کوچک و پایین دست به حساب آورد، با دانش خود به آقایی می رسد.

((۴-عدالت در بین شاگردان))

پیامبر اکرم(ص) دوسرترین مردم از خداوند را دو گروه معرفی نمود و در توضیح گروه دوم فرمود: «و معلم الصبیان لایواسی بینهم ولا یراقب الله فی الیتیم».

و معلم کودکان که در میان آنان به عدالت رفتار نمی کند و در مورد یتیم، خدا را در نظر نمی گیرد.

((۵-عظوفت و مهربانی))

درس معلم ار بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

از نشانه های معلمان شایسته مهربانی و محبت آنان نسبت به شاگردان خویش است. اگر معلمی در جلسه درس رفتاری خشن، تکبرآمیز و همراه با خروس و تهدید در پیش گیرد هرگز در امر تربیت توفیق نخواهد یافت.

در مقابل مهرورزی، فروتنی و نرمش وی- در برخورد با شاگردانش- دل و ذهن آنان را به او متمایل کرده و با تمام وجود آموخته های معلم را دریافت خواهند کرد. خداوند این رمز توفیق در امر تعلیم و تربیت را اینگونه به پیامبر خود یادآور می شود: «و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین(شعراء-۲۱۵)؛ و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر [و نسبت به آنان، متواضع و فروتن باشد.

رسول گرامی اسلام(ص) خود نیز خطاب به تمام معلمانی فرمود: «لینوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه(منیه المرید، ص ۶۹)؛ با کسانی که به شما علم می آموزند و یا شما از آنان درس فرا می گیرید، مهربان و نرمخو باشید.

((۶-احترام به شخصیت و نام شاگردان))
یک معلم کاردان و وظیفه شناس، معمولاً راجع به نام و نسب و فامیلی و شهر و احوال و مشخصات دانش آموزان در جلسه درس خود، اطلاعاتی را کسب کرده و از آن در ارائه درس خوب بهره می گیرد، به ویژه آن که اگر آنان را با قشنگ ترین نامشان صدا بزند و محترمانه خطاب کند از توهین و تحقیر آنان پرهیزد و در تکریم آنان بکوشد؛ در سوره حجرات آمده

است.

((ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها اثر اینها بهتر باشند و نه خرنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر اثر اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند))
(حجرات-۱۱)

((۷-عشق به تربیت و گریز اثر دنیاپرستی))

مربی و معلم حقیقی همواره به کار خود عشق می ورزند و هرگز جایگاه مقدس تعلیم و تربیت را وسیله ای برای رسیدن به مطامع دنیوی قرار نمی دهد. البته متولیان امر تربیت باید مسائل و مشکلات دنیوی معلمان را برطرف کنند، اما او خود هرگز رسیدن به رخسارف دنیوی را هدف اصلی قرار نمی دهد.

چرا که می داند خداوند متعال وعده فرموده: «من کان یرید حرث الاخره نزد له فی حرثه و من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها و ما له فی الاخره من نصیب» (شوری-۲۰)

کسی که بهره های آخرت را بخواهد، ما نیز به تلاش های او برکت و افزایش می دهیم و بر محصولش می افزاییم و کسی که فقط بهره دنیا را بطلبد. کمی از آن به او می دهیم اما در آخرت هیچ بهره ای ندارد.

آشنایی با سوره حمد

فراوری: ابراهیم محمدی

در این صفحه اطلاعاتی پیرامون این سوره اثر قرآن کریم به صورت آماری و مختصر برای شما فراهم کرده ایم.

((آمار و اطلاعات))

نام سوره: فاتحه

تعداد آیات: ۷

تعداد کلمات: ۲۹

تعداد حروف: ۱۴۲

ترتیب نزول: ۵

محل نزول: مکه مکرمه

معانی نام سوره: گشاینده

نامهای دیگر: حمد - شکر - سبع المثانی
- ام الكتاب - ام القرآن - کنز اساس - شفاء
- دعا - نور - واقیه - راقیه - رقیه

ویژگیهای سوره: سرآغاز و افتتاحیه قرآن. خواندن این سوره در نمازهای یومیه واجب است. بیشترین القاب را در قرآن دارد. این سوره دو بار نازل شده است.

موضوعات مطرح شده: ۱. خداشناسی
۲. تبیین مساله هدایت و صراط مستقیم
۳. اوصاف و نشانه های بندگان صالح خدا

((شرح محتوا و خصوصیات))

فضیلت قرائت و خواص سوره فاتحه
من قرأ فاتحه الكتاب أعطاه الله بعدد كل آية أنزلت من السماء فيجزى بها ثوابها از رسول خدا روایت شده که فرمود:
هرکس سوره حمد را قرائت کند خداوند به عدد تمام آیاتی که از آسمان نازل شده به او ثواب و پاداش عنایت می فرماید.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إن أم الكتاب سورة أنزلها الله في كتابه و هي شفاء من كل داء إلا السامر (يعني الموت)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

سوره حمد برترین سوره ها در کتاب خداست و شفای هر دردی جز مرگ است. قال الصادق عليه السلام: لو قرأت الحمد على ميت سبعين مره ثم ردت فيه الروح ما كان عجبا.

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر سوره حمد را بر مرده ای هفتاد مرتبه بخوانی و زنده شود تعجب نکن.

عن ابن عباس عليه السلام: إن لكل شيء أساساً و أساس القرآن الفاتحة. از ابن عباس روایت شده:

به درستی که هر چیزی اساس و شالوده ای دارد اساس شالوده قرآن سوره حمد است.

((آثار و برکات تلاوت سوره فاتحه))

((۱- حفظ از بلایا))

ذکر شده که نوشتن هفت مرتبه سوره حمد و به همراه داشتن آن موجب حفظ از بلایا می شود.

((۲- شفای بیماران))

از امام صادق علیه السلام روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هر بیماری که بعد از نماز صبح چهل مرتبه سوره حمد را خوانده و در هر مرتبه بعد از قرائت سوره حمد بگوید: حسينا الله و نعم الوكيل تبارك الله أحسن الخالقين و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم و دست بر محل درد و بیماری بمالد، صحت یابد و خداوند او را شفا عنایت فرماید.

((۴- ایمنی از درد گوش و دندان))

از علی امیر المؤمنان علیه السلام روایت شده: کسی که عطسه کند و بگوید الحمد لله رب العالمین اثر درد گوش و دندان ایمن گردد.

((۵- برکت و گشایش در روزی))

ذکر شده کسی که در شب اول ماه، هزار مرتبه سوره حمد را قرائت کند و بعد این دو آیه شریفه را:

((ربنا أنزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيدا لأولنا و آخرنا و آية منك و ارزقنا و أنت خير الرازقين)) و

((و من يتق الله يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث لا يحتسب و من يتوكل على الله فهو حسبه إن الله بالغ أمره قد جعل الله لكل شيء قدراً))

را بیست و یک مرتبه بخواند و بعد ده مرتبه بگوید: یا رازق یا فتاح یا غنی یا مغنی یا باسط خداوند برکت و گشایش در روزی را نصیبش می کند، ان شاء الله.

((۶-بر آورده شده حوایج و ادای قرض))

به جهت برآورده شدن جمیع حوائج و ادای قرض و وسعت مرزق از روز جمعه تا چهل و یک روزه، روزی چهل و یک مرتبه در یک محل و یک زمان سوره حمد خوانده شود و پس از اتمام، هر روز این دعا را سیزده مرتبه بخواند: یا مفتح فتح، یا مفرح فرح، یا مسبب سبب، یا میسر یسر، یا مسهل سهل، یا مدبر دبر، یا متمم تمم، برحمتک یا أرحم الراحمین توسل فوق از مجربات است و البته حاجت برآورده می شود ان شاء الله.

برای برآورده شدن همه حوایج جزئی و کلی، هر روز یک صد مرتبه سوره فاتحه (حمد) را به شیوه ذیل قرائت کنند، این شاء الله جمیع حوایج به ید قدرت الهی بر آورده می شود.

بعد از نماز صبح بیست و یک مرتبه، بعد از نماز ظهر بیست دو مرتبه، بعد از نماز عصر بیست و سه مرتبه، بعد از نماز مغرب بیست و چهار مرتبه، بعد از نماز عشاء ده مرتبه سوره حمد خوانده شود، اگر حاجت در هفته اول بر آورده نشد، این ختم در هفته دوم تکرار شود این شاء الله بر آورده خواهد شد. (در برخی نسخ آورده شده که بهتر است این ختم از روز پنجشنبه آغاز شود).

دستور العمل مقدس اردبیلی برای بر آورده شدن حوائج :

از مرحوم مقدس اردبیلی منقول است که هر کس سوره حمد را با دو آیه ذیل تا ده روز، هر روز یا نه مرتبه بخواند به طوری که مجموع آن صد و ده مرتبه شود، برای هر حاجت و مطلب مهم مجرب می باشد و به اجابت مقرون است ((ثم أنزل علیکم من الغم أمانة نعاسا

یغشی طائفة منکم و طائفة قد اهتمهم أنفسهم یظنون بالله غیر الحق الجاهلیة یقولون هل لنا من الامر من شیء قل إن الامر کله لله یخفون فی أنفسهم ما لا یدون لک یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الذین کتب علیهم القتل إلی مضاجعهم و لیبتلی الله ما فی صدورکم و لیمحض ما فی قلوبکم و الله علیم بذات الصدور. و محمد رسول الله و الذین معه أشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله و رضواناً سیماهم فی وجوههم من أثر السجود ذلک مثلهم فی التورات و مثلهم فی الانجیل کزمرع أخرج شطئه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب زراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و أجرآ عظیما))

و در هر روز بعد از قرائت سوره و دو آیه شریفه بگوید: رب سهل و لاتعسر علینا یا رب یا رب یا رب پروردگارا! بر ما آسان گیر و سخت مگیر، پروردگارا! پروردگارا! پروردگارا!

((شأن نزول و محتوای سوره فاتحه))

سوره حمد که نام دیگرش فاتحه الکتاب است، هفت آیه دارد و تنها سوره ای است که بر هر مسلمانی واجب است حداقل روزانه ده بار آن را در نمازهای شبانه روزی بخواند وگرنه نماز او باطل است. لا صلاة الا بفاتحه الکتاب، بنا به روایت جابر بن عبد الله انصاری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله: این سوره بهترین سوره های قرآن است. آیات سوره مبارکه فاتحه، اشاراتی در باره خداوند و صفات او، مسأله معاد، شناخت و درخواست رهروی در راه حق و قبول حاکمیت و ربوبیت خداوند دارد. همچنین به ادامه راه اولیای خدا، ابرار علاقه و اثر گمراهان و غضب شدگان اعلامر بیزاری و انزجار شده است.

سوره حمد همانند خود قرآن مایه ی شفاست، هم شفای دردهای جسمانی و هم شفای بیماری های روحی.

((داستان سوره فاتحه))

((دست بریده))

شخصی از اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که دستش قطع شده بود محضر مقدس آقا امیرالمؤمنین علی علیه السلام شرفیاب شد.

حضرت دست بریده او را گرفته و بجای خودش گذاشتند و آهسته چیزی خواندند، تا شفا یافت.

مرد خوشحال و خشنود شد و رفت. روزی بعد آمد خدمت با سعادت حضرت، و گفت: یا علی چه چیزی به دستم خواندی که خوب شد؟

حضرت فرمود: (سوره حمد را خواندم) آن شخص از روی تحقیر گفت: (سوره حمد) را خواندی؟

تا این حرف را زد؛ فی الحال دستش آویزان شد و تا آخر عمر به همان حالت بی دستی باقی ماند. زیرا (سوره حمد) را کوچک شمرد.

((پاورقی. خزینة الجواهر آخر حدیث ۳۲ ص ۵۶۷))

سلامتی در قرآن

ده نکته در خصوص سلامتی در قرآن

فراوری: محمد خراسانی



((سلامتی در قرآن))

در آیین مقدس اسلام، سلامتی از جایگاه و ارزش ویژه برخوردار است زیرا بدن انسان بسان مرکب روح و ابزاری تکامل انسان است. از این رو قرآن و منابع روایی حاوی دستورات بسیاری در خصوص صحت و سلامتی است.

((۱۰ نکته در خصوص سلامتی در قرآن))

۱- بخورید و بیاشامید، اما به اندازه کافی و لازم، زیرا پرخوری و خریاده روی، سلامت شما را به خطر می اندازد، (اعراف/۳۱).

۲- همه دردها و ناراحتی‌های خود را می‌توانید با قرآن ریشه‌کن سازید، قرآن بخوانید و به آن عمل کنید و با روح قرآن مرتبط و هم‌نوا گردید تا همه سیستم‌های روح و جسم شما در تعادل مطلوب خود قرار گیرند، (یونس/۵۷ و اسراء/۸۲).

۳- در فرهنگ قرآنی، این خداوند است که بیماری‌ها را شفا می‌دهد و دیگران، وسیله و واسطه اند، (شعرا/۸۰).

۴- اصل اول در سلامتی و صحت غذاها به فرموده قرآن، آن است که حلال و پاکیزه باشند. این گونه غذا، می‌تواند مقدمات سلامتی را در بدن انسان فراهم نماید، اما این که یک ماده خوراکی واحد با ترکیبات غذایی ثابت و مشخص، در اثر حلال یا حرام بودن، دارای آثار متفاوتی بر سلامت انسان گردد، بحث علمی بسیار عمیقی می‌طلبد، (نحل/۱۱۴ و بقره/۱۶۸).

حلال یعنی چیزی که ممنوعیت شرعی ندارد و طیب یعنی چیزی که موافق طبع سالم انسانی باشد.

۵- بهترین نحوه تغذیه برای سلامت انسان که مورد سفارش قرآن کریم است، خوردن صبحانه و شام است، یعنی غذای روزانه در دو وعده اصلی در اول روز و آخر روز صرف گردد. این شیوه غذا خوردن بهشتیان است که در سوره مریم، آیه ۶۲ آمده است.

۶- به فرمان قرآن، مؤمنان، شایسته‌ترین افراد در استفاده از نعمت‌های الهی، مانند غذاهای پاکیزه می‌باشند. خداوند می‌فرماید: «چه کسی این غذاهای پاکیزه را بر شما حرام کرده است؟ این‌ها خریابی‌های خردگی دنیاست که خداوند برای بهترین بندگانش خلق نموده است. پس از نعمت‌های خداوند استفاده کنید»، (اعراف/۳۲ و مائده/۸۷ و ۸۸). به قول امام علی (ع)، خداوند همان قدر از حرام شمردن آن چه حلال نموده است، ناراحت می‌گردد که حرام او را نادیده بگیرید و مانند یک امر حلال انجام دهید.

۷- جالب است بدانید که خداوند مستقیماً در قرآن به خوردن گوشت و ماهی و میوه اشاره می‌کند و آنها را از نعمت‌های زندگی بخش الهی برمی‌شمارد و این‌ها می‌خواهد که از آنها بخوریم که به ترتیب در سوره مائده آیه ۱ و ۹۶، سوره نحل، آیه ۱۴ و سوره مؤمنون آیه ۱۹ آمده است.

۸- مسئله خوراک در قرآن، آن قدر مهم است که در یک آیه مستقیماً فرمان داده شده است که انسان با دقت و تامل در غذایی که می‌خورد، بنگرد، (عبس/۲۴)؛ یعنی این که یک انسان قرآنی، باید در نحوه تغذیه خود، نهایت دقت را داشته باشد.

۹- خداوند در قرآن کریم خواب را یکی از عوامل سلامت و آرامش روح انسان برمی‌شمارد و آن را نعمتی قابل ستایش و آیه‌ای از آیات اعجاز‌آمیز الهی معرفی می‌کند، (روم/۲۳ و فرقان/۴۷).

۱۰- آیا می‌دانید در فرهنگ قرآنی، سخت‌ترین و ناگوارترین بیماری‌ها چیست؟ قرآن مستقیماً به این بیماری اشاره نموده، آن را نام می‌برد. این بیماری، مرض قلب یا بیماری دل نام دارد، چون وقتی روح و دل فردی به این بیماری گرفتار شد، اثر شنیدن و دیدن و درک حقایق عاجز می‌گردد و این بدترین وضعی است که یک انسان پیدا می‌کند، (اعراف/۱۷۹ و توبه/۱۲۵).

روانشناسی در قرآن

یازده نکته روانشناسی در قرآن

هدف در مواقع لزوم است و خشم مخرب را باید درمان کرد. قرآن کریم با توصیه به صبر و پاسخ‌گویی با عمل نیک و با وعده بهشت و پاداش اخروی، به وسیله سفارش به بخشش و عفو، یادآوری قدرت و خشم خداوند و... به درمان بیماری سلامتی سونر خشم و عصبانیت پرداخته است.

که به ترتیب در سوره شوری آیه ۴۳، فصلت آیه ۳۴، آل عمران آیات ۱۳۳ و ۱۴۳، شوری آیات ۳۶ و ۳۷ و نور آیه ۲۲ بیان شده است.

۸- در قرآن به سه نوع اثر مکانیسم های دفاعی، روانی اشاره شده است که عبارتند از: فرافکنی (منافقون/۴)، دلیل تراشی (بقره/۱۱ و ۱۲) و واکنش سانی (بقره/۲۰۴ و ۲۰۵ و منافقون/۴).

۹- در فرهنگ قرآن یکی از راه های مؤثر و اساسی روان درمانی، استفاده از مواعظ و اندرخیهای قرآنی است؛ (یونس/۵۷).

۱۰- در روش روان درمانی قرآنی، ایمان، تولید امنیت درونی و آرامش می نماید؛ (انعام/۸۲ و رعد/۲۸).

۱۱- یاد خدا، آبرام بخش دلهاست، (رعد/۲۸).

منبع: قرآن و روانشناسی، عثمان نجاتی

۵- در قرآن کریم، در آیات فراوانی اثر اندوه، علل ایجاد کننده آن و راههای برطرف ساختن آن سخن گفته شده است. گاهی اندوه فراق را با دیدار و گاهی اندوه فقر را با بشارت و گاهی اندوه رسول خدا (ص) را به دلدارى حضرت حق، درمان نموده است.



۶- در دیدگاه قرآن، ترس دو نوع است: «ترس پسندیده و ترس ناپسند»، ترس پسندیده، همان ترس از خداوند و عدالت اوست که منجر به اصلاح رفتار می شود، (انفال/۲)، و ترس ناپسند، اضطرابی شدید با علت مشخصی است که تسلط بر نفس را از بین می برد و باید با آن مبارزه شود، (احزاب/۱۰ و ۱۱).

۷- از نظر قرآن دو نوع خشم وجود دارد، خشم مفید و متعادل و خشم مخرب و نابهنجار؛ خشم متعادل، راهی برای رسیدن به

هدف نهایی نزول قرآن، انسان سازی و تربیت بشر است، بنابراین منظور از «همه چیز» تمام اموری است که انسان برای پیمودن راه تکامل به آنها نیاز دارد. اموری که تمامی جنبه های مادی، معنوی، فردی و اجتماعی او را در برمی گیرد؛ اثر جمله مطالبی که در قرآن به طور تفصیل بیان شده، مسائلی است که از رئوس موضوعات علم روانشناسی به شمار می رود. یکی از امور مهم زندگی انسان چگونه اندیشیدن است، چراکه نحوه تفکر هر فرد به طور مستقیم بر احساسات و عملکردهای او تاثیر می گذارد و به این ترتیب، شخصیت انسان را تحت الشعاع خود قرار می دهد.

۱۱ نکته روانشناسی در قرآن

۱- از دیدگاه قرآن، سه نوع شخصیت اساسی وجود دارد: مؤمن، کافر و منافق، (آیات ۲ تا ۲۰ سوره بقره).

۲- شخصیت های مؤمن، خود دارای سه درجه شخصیتی می باشند: آنان که به خود ظلم می کنند، آنان که میانه رو هستند و آنان که پیشتازانند، (فاطر/۳۲).

۳- مشخصه بارز شخصیت کافر آن است که دل و اندیشه اش را قفل کرده است و راهی برای نفوذ هیچ حرف تازه و اندیشه متفاوتی نگذاشته است و به همین دلیل، از درک حقایق عاجز است.

۴- خصوصیت بارز شخصیت منافق اثر دیدگاه قرآن، دوگانگی ریشه ای در ظاهر و باطن است؛ به همین دلیل، مبتلا به شک و تردید و عدم قدرت تصمیم گیری و ناتوانی در قضاوت می گردد، (بقره/۸ تا ۲۰ و منافقون).

توبه از دیدگاه قرآن

آیات قرآن در زمینه توبه

فرآوری: میلاد براتی

باشد، چنانچه می‌فرماید: **إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَاصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَاُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ**، مگر آنها که توبه و بازگشت کردند و (اعمال بد خود را با اعمال نیک) اصلاح نمودند (و آنچه را کتمان کرده بودند آشکار ساختند) من توبه آنها را می‌پذیرم که من توبه پذیر و مهربانم (بقره/۱۶۰). **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ**، خداوند توبه کنندگان را دوست دارد و (نیز) پاکان را دوست دارد (بقره/۲۲۲).



((آیات قرآن در زمینه توبه))

از موضوعات مهم و اساسی که قرآن کریم به آن توجه فراوان نموده است مسأله توبه و بازگشت به سوی خداست زیرا انسان اثر آنجا که موجودی مادی است و در درون او غرائز گوناگونی نهفته است در زندگی دچار لغزشهایی می‌گردد و خداوند کریم برای جبران کج روی‌های

انسان دری را به نام توبه باز گذاشته است. بنابراین توبه راهی جبرانی و وسیله‌ای امیدبخش است که انسانها بی‌شماری را از خطر سقوط در وادی یأس و ناامیدی و هلاکت نکه می‌دارد.

توبه نوعی بازگشت از گذشته سیاه و بد و حرکت به طرف آینده‌ای روشن و نیک است.

واژه توبه و مشتقات آن حدود ۹۰ بار در قرآن به صورتهای گوناگون به کار رفته است و در هر مورد به جهتی اثر جهات مختلف بحث توبه پرداخته شده است. آیات قرآن در مورد توبه را در يك نگاه ابتدائی می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم نمود:

((۱- وجوب توبه))

بخشی از آیات قرآن با صراحت به انسان فرمان می‌دهد که به سوی خدا بازگشت نموده و توبه نماید می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا**، ای کسانی که ایمان آورده‌اید پس به سوی خدا توبه کنید توبه‌ای خالص (تحریم/۸).

((۲- توبه پذیری خداوند))

دسته‌ای از آیات برای جلب گنه‌کاران و پیشگیری اثر یأس و ناامیدی آنها، خداوند مهربان را توبه پذیر و دوست‌دار توبه کنندگان معرفی می‌نماید تا موجب امیدواری و آرامش روحی گنه‌کاران و سرازیری آنها برای خروج آنها از نافرمانی و عصیان

((۳- همگانی بودن توبه))

آیاتی از قرآن کریم توبه را همگانی دانسته و درهای رحمت الهی را به روی همه مردم باز می‌داند. ((وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ))

هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: «سلام بر شما! پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض کرده؛ هرکس از شما کار بدی از روی نادانی کند؛ سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت خدا می‌شود چرا که) او آمرزنده مهربان است (انعام/۵۴).

((۴- شرائط عمومی توبه))

دسته‌ای از آیات به بیان شرائط عمومی توبه پرداخته به انسان متذکر می‌شود که توبه در واقع بازگشت درونی و اصلاح همراه با عمل صالح می‌باشد که به برخی از آنها اشارت می‌رود.

۴-۱- جبران گناهان گذشته

می‌فرماید: **إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَاصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**، مگر کسانی که پس از توبه کنند و اصلاح نمایند

(و) در

مقام جبران

گناهان گذشته برآیند

که توبه آنها پذیرفته خواهد

شد زیرا خداوند آمرزنده و بخشنده

است (آل عمران/۸۹).

۴-۲ ایمان

می‌فرماید: **إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ**

اهتدی، من هر که را توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام

دهد سپس هدایت شود می‌آمرزم (طه/۸۲)

۴-۳ عمل صالح

می‌فرماید: **وَ مَن تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا،**

و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد به سوی خدا

بازگشت می‌کند (و پاداش خود را از او می‌گیرد) (فرقان/۷۱).

۴-۴ قطع امید از دیگران

می‌فرماید: **وَ ظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ**

لِيتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، (در آن هنگام) دانستند

پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست سپس خدا رحمتش را

شامل حال آنها نمود (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند خداوند

بسیار توبه پذیر و مهربان است (توبه/۱۱۸).

۴-۵ جهل و نادانی در انجام گناه

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ، پذیرش

توبه از سوی خداوند برای کسانی است که کار بدی را از روی

جهالت و نادانی انجام می‌دهند (نساء/۱۷).

۴-۶ فوریت در توبه

می‌فرماید: **ثُمَّ يَتُوبُونَ** من قریب، سپس خردود توبه

می‌کنند (نساء/۱۷).

۴-۷ زمان توبه

توبه‌ای صحیح است که پیش از مشاهده نشانه‌های مرگ و

احتضار باشد، در غیر این صورت توبه پذیرفته نیست. خداوند

متعال می‌فرماید: **وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ**

إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ، برای کسانی که

کارهای بد می‌کنند و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا رسد

می‌گوید: «الان توبه کردم» توبه نیست (نساء/۱۸).

۴-۸ استغفار

از شرایط عمومی و مقدمه توبه استغفار است.

قرآن کریم می‌فرماید: **وَ أَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ،**

و این که امر خداوند خود آمرزش بطلبید سپس به سوی او

بازگردید (هود/۳).

۴-۹ توسل به پیامبر

وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ

لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا، اگر این مخالفان هنگامی

که به خود ستم می‌کنند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذارند)

به نزد می‌آمدند و امر خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر

هم برای آنها استغفار می‌کرد خدا را توبه پذیر و مهربان

می‌یافتند (نساء/۶۴).

۴-۱۰ نماز و روزه

فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ، کسی

که دسترسی (به آزاد کردن) برده ندارد دو ماه پی در پی روزه

می‌گیرد این (یک نوع تخفیف) و توبه الهی است (نساء/۹۲).

۴-۱۱ دوام توبه

الْمُتَابِعُونَ الْعَابِدُونَ الْأَحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ

الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ

لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشَرِ الْمُؤْمِنِينَ، توبه کنندگان، عبادت کاران،

سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران،

آمران به معروف، نهی کنندگان امر منکر و حافظان حدود (و

مرزهای) الهی (مؤمنان حقیقی‌اند) و بشارت ده به (اینچنین)

مؤمنان (توبه/۱۱۲).

۴-۱۲ امید به رحمت

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ

اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، بگو

ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت

خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، خیرا او

بسیار آمرزنده و مهربان است (زمر/۲۳).

((منبع: دفتر پاسخ به پرسشهای قرآنی مرکز آموزش تخصصی

تفسیر و علوم قرآن))

جایگاه قرآن در نهج البلاغه

جایگاه قرآن در نهج البلاغه

((هَذَا الْقُرْآنُ إِمَامًا هُوَ خَطُّ مَسْتَوٍ بَيْنَ الدَّفَتَيْنِ لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَلَا يُدَّ لَهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرَّجَالُ. (خطبه/۱۲۵))
این قرآن خطی است نوشته شده که میان دو جمله پنهان است خربان ندارد تا سخن گوید و نیازمند به کسی است که آن را ترجمه کند و همانا انسان ها می توانند از آن سخن گویند.

قرآن، پایه های اسلام

وَأَنَا فِي الْإِسْلَامِ وَبُنْيَانُهُ. (خطبه/۱۹۸)
ترجمه: پایه های اسلام و ستون های محکم آن است.
شرح: «واثره ی اثافی» (پایه ها) و بنیان (بنیاد) هر دو برای قرآن استعاره شده است؛ زیرا مانند پایه های دیگ ساختمان اسلام بر اساس آن برپا و استوار است.»

قرآن و صراط مستقیم

وَمِنْهَا جَا لَا يُضِلُّ نَهْجُهُ. (خطبه/۱۹۸)
ترجمه: راهی است که مرونده ی آن گمراه نگردد.
شرح: «آشکار است که قرآن برای کسی که بخواهد در پرتو قرآن به سوی خدا گام بردارد، راهی روشن است و کسی که مقاصد آن را درک کند دچار گمراهی نمی شود.»

قرآن، نور همیشه تابان

ثُمَّ انْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تُطْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَسِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ. (خطبه/۱۹۸)
ترجمه: سپس قرآن را بر او نازل فرمود، قرآن نوری است که خاموشی ندارد چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد.
شرح: «اما اینکه قرآن نور است چون مردم به وسیله آن از ظلمات جهل هدایت می شوند. نور دنیا که در ظلمات شب مردم را هدایت می کند.»

قرآن بنایی باستون های محکم

((وَبُنْيَانًا لَا تُهْدِمَ أَرْكَائُهُ. (خطبه/۱۹۸))
ترجمه: بنایی است که ستون های آن خراب نمی شود.
شرح: «واژه ی بنیان را برای آنچه قرآن بر آن مشتمل و در دل ها رسوخ یافته استعاره آورده و با ذکر ارکان که لازمه ی هر بنایی است این استعاره را ترجیح داده است.»

قرآن، سراسر حقیقت

((وَأُودِيَهُ الْحَقُّ وَغَيْطَانُهُ. (خطبه/۱۹۸))
ترجمه: نهرهای جاری زلال حقیقت و سرزمین های آن است.
شرح: «واثره های اودیه (دره ها) غیطان (زمینهای همواره) استعاره برای قرآن است؛ بدین مناسبت که معدن حق و محل دسترسی به آن است همچنان که دره ها و زمین های هموار جایگاه آب و گیاه است .

قرآن، سرچشمه و دریای علم

((وَيَنْابِيعُ الْعِلْمِ وَبُجُورُهُ. (خطبه/۱۹۸))
ترجمه: چشمه های دانش و دریاهای علوم است.
شرح: «واثره ی ینابیع (سرچمه ها) و بحور (دریاها) هر دو برای قرآن استعاره شده اند، زیرا قرآن محل افاضه ی نفایس علوم و کانون به دست آوردن دانشهای ارزشمند است.»

وصیت نامه شهدا

جانباز شهید سید مجتبی علمدار



سید از بچه های لشکر ۲۵ کربلا بود که اولین بار در سن ۱۷ سالگی با حضور در کردستان، بودن در کنار رزمندگان اسلام را تجربه کرد. او که از آن سال یعنی اواخر ۶۲ تا آخرین روزهای جنگ، بر سر عهد و پیمانش با خدا و روح خدا (امام خمینی) مانده بود، سال های بعد را با زخم های شیمیایی اش گذراند تا روز یازدهم دی ماه ۷۵ که شهادت روزی اش شد.

((بسم الله الرحمن الرحيم))

... اولین وصیت من به شما راجع به نماز است چیزی را که فردای قیامت به آن رسیدگی می کنند نماز است. پس سعی کنید در حد توانتان نمازهایتان را سروقت بخوانید و قبل از شروع نماز از خداوند منان توفیق حضور قلب و خضوع و خشوع در نماز طلب کنید .

به همه شما وصیت می کنم همه شما آنکه این صفحه را می خوانید، **قرآن** بخوانید بیشتر بشناسید، بیشتر عشق بورزید، بیشتر معرفت به **قرآن** داشته باشید و بیشتر دردهایتان را با **قرآن** درمان کنید. سعی کنید **قرآن** انیس و مونس باشد نه زینت دکورها و طاقچه های منزلتان ، بهتر است **قرآن** را زینت قلبتان کنید .

به دوستان و برادران عزیزم وصیت می کنم کاری نکنند که صدای غربت فرزند فاطمه (س) مقام معظم رهبری (ره) را که همان ناله غریبانه فاطمه (س) خواهد بود به گوش برسد همان طوری که زمان امام خمینی (ره) گوش به فرمان بودید و در صحنه های انقلاب حاضر و آماده ایثار جان و مال و زندگی [باشید].....

شیعه ها، مسلمانها، حزب اللهی ها، بسیجی ها و ... نگذارید تاریخ مظلومیت شیعه تکرار شود. بر همه واجب است مطیع محض فرمایشات مقام معظم رهبری که همان ولی فقیه می باشد، باشند. چون دشمنان اسلام کمر همت بسته اند ولایت را از ما بگیرند و شما همت کنید. متحد و یکدل باشید تا کمر دشمنان بشکند و ولایت باقی بماند....

کی واهمه دارد ز مکافات قیامت آن کس که بود در صف محشر به پناهت

الحقیر سید مجتبی علمدار

«فَانْظُرْ إِلَىٰ آثارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند؛ چنین کسی (که زمین مرده را زنده کرد)
زنده‌کننده مردگان (در قیامت) است؛ و او بر همه چیز تواناست!
(روم، آیه ۵۰)

